



دانشکده

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد

عنوان:

**بررسی، تحلیل و نقد داستان‌های کوتاه ابوتراب خسروی
(هاویه، دیوان سومنات، ویران)**

استاد راهنما:

احمد رضایی جمکرانی

نگارنده:

خدیجه جعفری

زمستان / ۱۳۹۲

محمد بن محمد
بن محمد بن محمد
بن محمد بن محمد
بن محمد بن محمد



«صورت جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد»

با تأییدات خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولی عصر (عج الله تعالی فرجه الشریف)

جلسه دفاعیه پایان نامه کارشناسی ارشد آقای / خانم: رشته:

تحت عنوان:

با حضور هیأت داوران در محل دانشگاه قم در تاریخ: / / تشکیل گردید.

در این جلسه، پایان نامه با نمره (به عدد، به حروف)

و با درجه: عالی ○ بسیار خوب ○ خوب ○ قابل قبول ○ مورد دفاع قرار گرفت.

نام و نام خانوادگی	سمت	مرتبۀ علمی	امضاء
	استاد راهنما		
	استاد مشاور		
	استاد ناظر		
	استاد ناظر		
	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی		

مدیر امور آموزش و تحصیلات تکمیلی

نام و امضاء

معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده

نام و امضاء

چکیده:

در عرصه ادبیات فارسی، ادبیات داستانی جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. ابوتراب خسروی از جمله فعالان این عرصه است، نویسنده‌ای که زبان و پیشینه آن را به خوبی می‌شناسد و با ایجاد هارمونی تازه‌ای از رفتار اشیا و اشکال داستانی، نهایتاً فضای تازه‌ای از داستان را در نظر گرفته و می‌نویسد. داستان‌های خسروی به سبک مدرنیسم یعنی مابین سبک رئالیسم و پست مدرنیسم هستند. عمدتاً چشم انداز ذهنی گیج‌کننده و دشواری است که خواننده را با دنیای تازه‌ای از جهان داستان آشنا می‌سازد. در این پژوهش داستان‌های کوتاه از او (دیوان سومنات، هاویه، ویران) مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند. پس از فصل کلیات (شامل مطالبی راجع به داستان‌نویسی، داستان مدرن، پست مدرن، ابوتراب خسروی و ...) در هر یک از فصول اختصاص یافته به مجموعه‌های سه‌گانه، یکایک داستان‌ها به طور مجزا تلخیص و مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. پس از بیان خلاصه‌ای از هر داستان، از دیدگاه‌هایی چون شخصیت‌پردازی، درون‌مایه و تم داستان، فضاسازی، کنش‌ها، زمان، مکان، به‌بوته نقد و بررسی کشیده شده‌اند. ضمن پرداختن به اختصاصات داستانی، از نظر دارا بودن ویژگی‌های مدرن و پست مدرن نیز مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته شد؛ فی‌المثل: درهم ریختگی زمان و مکان، آشفتگی شخصیت‌ها، ابهام فضا و ساختار داستان، درون‌مایه‌ی چندگانه و ... در نهایت، ضمن پرداختن به موارد فوق شاخص‌های داستانی کوتاه و دستیابی به تفاوت‌های کیفی داستان‌پردازی خسروی به‌بوته نقد کشیده شده‌اند.

کلمات کلیدی: ابوتراب خسروی، داستان کوتاه، مدرن، پست مدرن

فهرست مطالب

۸	مقدمه:
فصل اول: کلیات	
۶	۱ - ۱ - پیشینه داستان نویسی
۸	۱ - ۲ - واژه مدرن و مدرنیته
۹	۱ - ۳ - مدرنیته
۱۰	۱ - ۴ - مدرن و مدرنیته
۱۰	۱ - ۵ - مدرن
۱۱	۱ - ۶ - مدرنیته و یا مدرنیسم
۱۷	۱ - ۲ - ۱ - ادبیات مدرنیست و ویژگی‌های آن
۱۷	۱ - ۲ - ۲ - زمان و مکان
۱۹	۱ - ۲ - ۳ - مکان - فضا محوری:
۱۹	۱ - ۲ - ۴ - دید تازه‌ای از زمان
۲۰	۱ - ۲ - ۵ - تجربه گرایی با عنصر نقطه نظر
۲۰	۱ - ۲ - ۶ - بیگانگی
۲۰	۱ - ۲ - ۷ - تجربه گرایی در شیوه‌های نگارش
۲۱	۱ - ۲ - ۸ - فرد گرایی
۲۱	۱ - ۲ - ۹ - چند پارگی
۲۱	۱ - ۲ - ۱۰ - مرکزیت در اثر هنری
۲۱	۱ - ۲ - ۱۱ - جنگ و گسستگی تاریخی
۲۲	۱ - ۲ - ۱۲ - بیان جریان ناخودآگاه ذهن
۲۲	۱ - ۲ - ۱۳ - جریان سیال ذهن
۲۲	۱ - ۲ - ۱۴ - باز خوانی اسطوره
۲۳	۱ - ۲ - ۱۵ - مفهوم تازه از واقعیت
۲۳	۱ - ۲ - ۱۶ - اعتراض به جهان صنعتی مدرن
۲۳	۱ - ۲ - ۱۷ - رشد داستان کوتاه
۲۴	۱ - ۲ - ۱۸ - شهر
۲۴	۱ - ۲ - ۱۹ - نخبه گرایی
۲۴	۱ - ۲ - ۲۰ - اهمیت تصویر
۲۴	۱ - ۲ - ۲۱ - ضد قهرمان
۲۵	۱ - ۲ - ۲۲ - عدم قدرت ارتباط و بیان

- ۲۵ ۱ - ۳ - ۱ - تحلیلی پیرامون ادبیات پست مدرن
- ۲۶ ۱ - ۳ - ۲ - پست مدرنیسم
- ۲۸ ۱ - ۳ - ۳ - به اختصار مولفه‌های پست مدرن را می‌توان نام برد:
- ۲۹ ۱ - ۳ - ۴ - ادبیات داستان پست مدرن جهان
- ۳۰ ۱ - ۳ - ۵ - ادبیات داستانی پست مدرن ایران
- ۳۱ ۱ - ۴ - ۱ - داستان نوین در ادبیات کهن ایران
- ۳۱ ۱ - ۴ - ۲ - نقش و اهمیت داستانی در دوران معاصر
- ۳۲ ۱ - ۴ - ۳ - داستان نویسی معاصر در ایران
- ۳۳ ۱ - ۴ - ۴ - داستاه کوتاه در ایران
- ۳۵ ۱ - ۴ - ۵ - شکل داستان در آستانهٔ مشروطیت
- ۳۷ ۱ - ۴ - ۶ - بررسی داستان نویسی و تحولات آن در دو دههٔ پس از انقلاب ایران
- ۳۸ ۱ - ۴ - ۷ - ویژگی های داستان کوتاه معاصر ایران
- ۴۱ ۱ - ۵ - ۱ - درباره ابوتراب خسروی
- ۴۲ ۱ - ۵ - ۲ - مضمون آثار:
- ۴۲ ۱ - ۵ - ۳ - دوران زندگی :
- ۴۵ ۱ - ۵ - ۴ - تحصیلات و مدارک علمی:
- ۴۵ ۱ - ۵ - ۵ - افتخارات:
- ۴۵ ۱ - ۵ - ۶ - آثار:
- ۴۵ ۱ - ۵ - ۷ - نقل قول و خاطرات:
- ۴۶ ۱ - ۵ - ۸ - کتاب‌هایی از ابوتراب خسروی و درباره او:

فصل دوم: هاویه

- ۵۸ ۱ - ۲ - ۱ - داستان گمشده:
- ۶۲ ۱ - ۲ - ۲ - داستان میخانه سبز:
- ۶۸ ۱ - ۲ - ۳ - برهنگی و باد:
- ۷۲ ۱ - ۲ - ۴ - کابوسهای شبانه:
- ۷۶ ۱ - ۲ - ۵ - سفر شبانه:
- ۸۰ ۱ - ۲ - ۶ - صدای ساعتی که پنهان است:
- ۸۳ ۱ - ۲ - ۷ - داستان برهنه و مه:
- ۸۸ ۱ - ۲ - ۸ - دست‌ها و دهانها:
- ۹۱ ۱ - ۲ - ۹ - تصویری از یک عشق:
- ۹۶ ۱ - ۲ - ۱۰ - عشق در بایگانی:

۹۹ ۱۱-۲-۱ - قربانی:
۱۰۲ ۱۲-۲-۱ - پری ماهی‌ها:
۱۰۷ ۱۳-۲-۱ - ماه و مار:
۱۱۲ ۱۴-۲-۱ - هاویه آخر:

فصل سوم: دیوان سومنات

۱۱۸ ۱-۳-۳ - مینیاتورها:
۱۲۴ ۲-۳-۳ - ردپای مرد کهربایی:
۱۲۸ ۳-۳-۳ - حضور:
۱۳۳ ۴-۳-۳ - پلکان:
۱۳۷ ۵-۳-۳ - پاهای ابریشمی:
۱۴۲ ۶-۳-۳ - یعقوب یعقوب:
۱۴۸ ۷-۳-۳ - تربیع پیکر:
۱۵۳ ۸-۳-۳ - مرثیه‌ای برای ژاله:
۱۵۹ ۹-۳-۳ - من زنی بودم به نام لیلا که زیبا بود:
۱۶۴ ۱۰-۳-۳ - صورت بند:
۱۶۸ ۱۱-۳-۳ - حرکت زیبا و آسان:
۱۷۴ ۱۲-۳-۳ - دیوان سومنات:

فصل چهارم: ویران

۱۸۰ ۱-۴-۴ - داستان تفریق خاک:
۱۸۶ ۲-۴-۴ - داستان پیک نیک:
۱۹۲ ۳-۴-۴ - مرثیه باد:
۱۹۷ ۴-۴-۴ - قاصد:
۲۰۲ ۵-۴-۴ - یک داستان عاشقانه:
۲۰۶ ۶-۴-۴ - رؤیا یا کابوس:
۲۱۳ ۷-۴-۴ - آموزگار:
۲۱۹ ۸-۴-۴ - ویران:
۲۲۶ نتیجه گیری:
۲۱۸ فهرست منابع کتاب:
۲۱۸ فهرست مقالات:

مقدمه

داستان گویی و داستان‌نویسی مقوله‌ای است که قدمت آن به سابقه ادبیات و زبان می‌رسد. هرچند از گذشته تا امروز اشکال گوناگونی از جمله حکایت، تمثیل و ... تجربه کرده است، اما همچنان رویکردهای تازه‌ای از آن قابل معرفی و بررسی است. امروزه داستان‌نویسی جایگاه ویژه‌ای در عرصه ادبیات به خود اختصاص داده است. داستان‌پردازی از جمله شاخه‌های ادبیات است که تمامی اقشار جامعه نسبت به آن علاقه نشان می‌دهند، حتی عامه مردم علاقمند به شنیدن و نقل و پردازش آن هستند. داستان‌های بلند و رمان از حدود قرن هفدهم در جوامع اروپایی حضور مستقل پیدا کرده است و بسیار مورد استقبال قرار گرفته است.

پس از شکل‌گیری رمان‌های تاریخی و اجتماعی، داستان کوتاه به تدریج به پیش می‌تازد و تحت تأثیر فرهنگ غرب از قرن نوزدهم به سمت ادبیات فارسی نیز گام بر می‌دارد. داستان کوتاه در کنار داستان بلند، جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است، تحولات اخیر در حدود دو‌یست سال قبل منجر به پیدایش چنین رویکردی از داستان شده است. از جمله: صنعت چاپ، ترجمه، گسترش هرچه بیشتر تحصیل و دانشگاه‌ها، ترجمه آثار و به ویژه جایگاه علم و دانش میان مردم، موجب توسعه هرچه بیشتر داستان کوتاه در این عرصه گشته است.

بیان مسئله و پرسش‌های پژوهش

هرچه به سال‌های اخیر از داستان‌نویسی نزدیک می‌شویم، داستان کوتاه نمود بیشتری پیدا می‌کند و هرچه بیشتر تحت تأثیر تحولات جامعه مدرن و جریان‌های مدرنیته است. همچنین می‌توان گفت داستان کوتاه به دلیل دارا بودن ویژگی ایجاز، اختصار و گذرا بودن، متأثر از تحولات صنعتی و اجتماعی دنیا است. در عرصه ادبیات داستانی ایران نیز افرادی بوده و هستند که داستان‌نویسی به سبک نوین و امروزی را بیشتر مورد توجه خود قرار داده‌اند. ابوتراب خسروی از جمله این نویسندگان است. از جمله شخصیت‌های داستان نویس که تحت تأثیر داستان‌های مدرن و پست مدرن است ادبیات مدرن نیز همانند دیگر دوره‌ها جدا از دوره‌ها و سبک‌های پیشین نیست. با بررسی هرچه بیشتر متوجه می‌شویم که جامعه و ادبیات حاکم، زمینه کافی را برای ظهور مدرنیسم پیدا کرده بود. افزایش سرعت و نقل و انتقالات در هر زمینه‌ای موجب پیدایی و گسترده‌گی روز افزون از این سبک از نوشتن گردید. خصوصیات هم‌چون نسبی بودن زمان و

مکان، تجربه گرایی، فردگرایی، آشفته‌گی ذهنی، زندگی شهرنشینی و ماشین‌ساز و ... از اهم خصوصیات این سبک است.

ابوتراب خسروی نیز متأثر از این دوره و سبک دست به قلم می‌برد به شیوه متون ادبی کهن و واژگان مهجور واقف است. و همین موارد موجب تمایز آثار وی از دیگر نویسندگان می‌گردد. از این رو در پژوهش حاضر برآنیم ضمن تحلیل و نقد سه اثر از مجموعه داستان‌های کوتاه وی (هاویه، دیوان سومنات، ویران) به پرسش‌های زیر پاسخ دهیم:

کدام یک از ویژگی‌های داستان‌های مدرن و پست مدرن در این سه مجموعه بیشتر به چشم می‌خورد؟

کدام یک از شاخص‌های داستان کوتاه در این سه مجموعه نمود بیشتری دارد؟

در کدام یک از این سه اثر ویژگی‌های داستان کوتاه قاعده‌مندتر است؟

فرضیات پژوهش

در آثار محدود وی بسیاری از ویژگی‌های داستان کوتاه مدرن و پست مدرن به چشم می‌خورد، فرضیاتی که در این پژوهش مد نظر است. شامل موارد زیر است. به نظر می‌رسد ویژگی‌های اصلی داستان کوتاه در این سه مجموعه داستان بیشتر است. از میان شاخص‌های داستان کوتاه، شخصیت پردازی نمود بیشتری دارد. به نظر می‌رسد از میان این سه مجموعه ویژگی‌های داستان کوتاه در هاویه قاعده‌مندتر است.

باتوجه به فرضیاتی که مطرح شده سه مجموعه داستان کوتاه از ابوتراب خسروی به نام‌های دیوان سومنات، هاویه، ویران مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند و جنبه نوآوری و ضرورت انجام این پژوهش در این است که آثار وی به طور مجزا و به صورت پایان نامه مورد بررسی قرار نگرفته است و سابقه‌ای از نظر پژوهش دانشگاهی ندارد.

اهداف پژوهش

باتوجه به تازگی این پژوهش، اهداف و کاربردهایی را از انجام این پایان نامه انتظار داریم از جمله:

دستیابی به ویژگی‌های داستان‌های کوتاه خسروی در این سه مجموعه

چگونگی تأثیر پذیری وی از داستان‌های مدرن و پست مدرن

دستیابی به تفاوت کیفی داستان پردازی خسروی در این سه مجموعه

پرسش‌ها، فرضیات و اهدافی که مطرح شده پژوهش عمیق و دقیق می‌طلبد تا در زمینه‌های داستان نویسی، داستان کوتاه، داستان مدرن و پست مدرن، بررسی شود داستان‌های این سه مجموعه، تحلیلی هرچه کامل‌تر انجام شود.

شیوه گردآوری پژوهش

شیوه گردآوری مطالب و تحقیق به نحوی است که ابتدا منابع گوناگون که در ارتباط با زمینه پژوهش داستان‌نویسی، داستان کوتاه مدرن و پست مدرن هستند، مطالعه و جمع‌آوری شده است. پس از گردآوری مطالب و منابع مورد نظر یکایک داستان‌های هر سه مجموعه مورد مطالعه و بررسی دقیق قرار گرفته‌اند و پس از بیان خلاصه‌ای از هر داستان به بوطه بررسی و نقد کشیده شده‌اند. با توجه به شیوه‌های تحلیل داستان، از دیدگاه‌های گوناگون مورد بررسی دقیق قرار گرفته و فصول چهارگانه پایان‌نامه را تشکیل داده‌اند.

فصول پژوهش

فصل اول شامل بیان کلیات است، از این نظر که مطالبی راجع به داستان نویسی، داستان کوتاه، داستان مدرن، و پست مدرن، بیان اختصاصات داستان مدرن و پست مدرن از جمله: فردگرایی، شکست زمان، درهم ریختگی افعال، روان پریشی شخصیت‌ها، تکیه بر جنبه روانشناختی شخصیت‌ها، و عدم انسجام فضای داستان، چندگانه بودن نتایج از داستان‌ها و ... سپس راجع به ابوتراب خسروی، شیوه داستان پردازی وی و آثار وی سخن به میان آمده است.

فصل دوم مجموعه هاویه است، **هاویه** دارای چهارده داستان است، ابتدا خلاصه‌ای از هر داستان بیان شده است سپس، بررسی و تحلیل کلی از داستان مطرح شده است. پس از بررسی کلی فضای داستان از نظر شخصیت پردازی و جنبه روانشناختی شخصیت‌ها، زمان، مکان، فضا و ساختار داستان، مورد بررسی و نقد قرار گرفته‌اند. در پایان نیز ارتباط ویژگی‌های مدرن و پست مدرن داستان مطرح گردیده است. مجموعه هاویه بیشتر شامل نشانه‌های درونی متنی همچون شب، سایه‌وار بودن عالم ماوراء و ... از اختصاصات مدرن است.

فصل سوم بررسی داستان‌های دوازده‌گانه **دیوان سومنات** است، که طبق موارد شیوه

فصل قبل، مورد بررسی و ابتدا خلاصه‌ای از داستان بیان شده است پس طبق موارد بالا به بوطه بررسی و نقد کشیده شده‌اند. با توجه به این بررسی و تحلیل شخصیت‌های داستان‌های این مجموعه از منظر روانشناسی قابل بررسی هستند چرا که پریشانی و آشفتگی ذهنی نمود بیشتری دارد.

فصل چهارم شامل مجموعه **ویران** که واپسین اثر از داستان‌های کوتاه ابوتراب خسروی است. مجموعه ویران شامل هشت داستان است که به همان شیوه مورد بررسی قرار گرفته‌اند و از منظر شکست افعال، زمان و نسبت به دیگر دو مجموعه پیشین نمود بیشتری دارد.

داستان‌های کوتاه ابوتراب خسروی، جهان تازه‌ای از داستان را پیش روی خواننده قرار می‌دهد، چرا که او نوشتن را کشف جهان تازه‌ای می‌داند و کیفیت نوشته‌ها را برتر از تعداد و کمیت آن مد نظر دارد. در هر داستان با انتخاب کلمات و شرایط و فضای متفاوت دنیای تازه‌ای را می‌سازد که حوادثی مختص خود آن فضا و در حال شکل‌گیری و رخ دادن است، خسروی با توسل به خلاقیت هنرمندانه‌اش موضوعاتی همچون هستی، مرگ، عشق، انسان و ... را به بازی می‌گیرد تا در فرآیند داستان مفاهیمی این‌چنینی را به نمایش گذارد و وقایع داستان را تثبیت کند.

فصل اول

کلیات

۱-۱- پیشینه داستان نویسی

داستان و داستان گویی پدیده‌ای است که پیشینه آن به قدمت پیدایش زبان است، آن چنان که هیچ قوم و ملتی نمی‌توان یافت که دارای داستان‌ها و حکایاتی نباشند. در مراحل ابتدایی اقوام انسان تفکر و مطالب خود را به صورت داستان نقل می‌کردند. اوستا حاوی قطعات باستانی اسطوره‌های حماسی کشورهاست که ویل دورانت در تاریخ تمدن خود اشاره مفصلی به آن کرده است.^۱

علاقه به داستان منحصر به طبقه و طیف خاصی از اجتماع نبوده است. آن گونه که در تاریخ ثبت است، بسیاری از شاهان، ندیمان دانسته‌اند که برای آنان داستان گویی کرده‌اند.

در الفهرست محمد ابن اسحاق می‌گوید: فارسیان اول تصنیف کنندگان افسانه بوده‌اند. و آن را به صورت کتاب در آورده و نحو و حکایت می‌کند. همچنین مولف کتاب مجمع التواریخ به اجمال یاد می‌کند که شاهان ایران باستان سمرگویی داشته‌اند و داستان این هم چون بهرام گور، خسرو و شیرین، داستان‌های کليلة و دمنه و هزارویک‌شب از دیرباز نقل محافل و مجالس بوده است. بخش بزرگ و قابل توجهی از ادب و فرهنگ عوام را داستان‌هایی تشکیل می‌دهند و این نشان می‌دهد که زندگی انسان هیچ‌گاه از داستان خالی نبوده است محکم‌ترین دلیل بر ریشه‌دار بودن علاقه انسان‌ها به این قالب‌ها کتاب‌های آسمانی ما قرآن مجید است. که ده‌ها قصه و تمثیل زیبا در آن به چشم می‌خورد.

از کتب مقدس که بگذریم از میان آثار باقی مانده کتاب‌های متعدد وجود دارد که جز قالب آن جنبه افسانه‌ای و داستانی است از جمله: ارداویرافنامه، کارنامه اردشیر بابکان، کتاب‌السور، خوتای نامک، تا می‌رسد به مرزبان نامه سمک عیار، قابوس نامه، بختیار نامه... که گنجینه‌ای از داستان‌های مقدس هستند. عبدالحسین زرین کوب در تاریخ ادبیات ایران از گذشته ادبی روایی سرشناسی را اشاره دارد^۲

در طول زمان با وجود توسعه و پیشرفت استقلال هر چیز داستان نه تنها از رونق نیفتاده بلکه بر اثر توسعه تبادل فرهنگی و ترجمه و پیشرفت صنعت چاپ دایره‌های نفوذ خود را وسعت بخشیده است.

۱- محمدرضا سرشار، پیشینه و ادبیات داستانی در زندگی ما، چاپ دوم، (تهران: نشر کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۱) جلد ۲، ۱۵ و ۱۴.

۲- ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات، چاپ سوم، (تهران: نشر ققنوس، ۱۳۸۶) جلد ۲، ۲۸.

داستان کوتاه، مثل رمان، شکل هنری نویسی است، به این معنی که بهتر از شعر یا نمایش، طرز تفکر خود ما را نسبت به زندگی نشان می‌دهد و مثل رمان، با "یکی بود یکی نبود" شروع می‌شوند.

داستان کوتاه با یک رخداد واحد سرو کار دارد و آن را به نمایش در می‌آورد و در این فرایند، آن را کاملاً دگرگون می‌کند می‌توان یک مثل خاص را در تعداد زیادی اشارات که بر خواننده نماینده می‌شود، مستحیل دانست.

ما چنین داستان کوتاهی را به رسمیت می‌شناسیم؛ چرا که احساس می‌کنیم داریم چیزی می‌خوانیم که حاصل یک لحظه زمانی واحد است تا یک رخداد واحد و یا یک بینش واحد. ما «در جایی قرار داریم که دادن تعریف دقیق، به سختی امکان‌پذیر می‌باشند، ولی به نظر می‌رسد چیزی شبیه این دو مفهوم فوق، که اصطلاحی است مذهبی که به منظور کاملاً غیر مذهبی و داستانی به کار برده است که در هیچ جا به شکل سخن گفته، که اصطلاحی است مذهبی که وی به منظور کاملاً غیر مذهبی و داستانی به کار برده است که در هیچ جا به شکل نظریه داستانی مطرح نشده، می‌توان آن را نیز با نظریه مشابهی درباره لحظات بینش و وحی در شعر وردزورث مقایسه کرد... آن را با احتیاط بسیار در دادن تعریفی نزدیک به واقعیت، به آن نتیجه می‌رسد، «به نظر می‌رسد تم به لرزه می‌افتد وقتی می‌خواهم بگویم که نویسنده مدرن داستان کوتاه، یک شاعر غنایی است که به نثر می‌نویسد، و به حق تاثیر بسیاری از داستان‌های کوتاه مدرن - به طور مشخص، داستان‌های چخوف، بر خواننده، به شعر تعزلی نزدیک تر است تا به رمان یا داستان‌های کهن تر.^۱

تفاوت بین رمان و داستان کوتاه، این است که نویسنده رمان، با امتیاز می‌برد، ولی نویسنده داستانی کوتاه باید حتماً با ناک اوت بر حریر پیروز شود. داستان کوتاه، به دلیل کوتاه بودن آن و زمان و مکان محدودی که دارد، از جمله اول استراحت نمی‌دهد. این معنی را خیلی تحت اللفظی نگیرید، چرا که نویسنده داستان کوتاه، مشت‌زنی بسیار باهوش است و بسیاری از ضربه‌ها مقاومت حریف را در هم می‌کشند.

اکثر داستان‌هایی که همه ما می‌خوانده‌ایم، حاوی رخدادهایی هستند، از قبیل رخدادهایی

۱ - حسین پاینده، داستان کوتاه در ایران، چاپ دوم، (تهران: نشر نیلوفر، ۱۳۸۹)، جلد ۲، ۱۲۰ - ۳۴.

که در داستان نویسندگان مذکور عرضه شده است. اگر ما مفهوم و معنا را با شدت و تنش ارتباط ندهیم، بی ارزش است. این شدت و تنش، به صنایع و تکنیک‌ها باز می‌گردد که در پرورش موضوع به کار گرفته می‌شوند، و این همان جایی است که تفاوت چشمگیر میان داستان کوتاه نویس خوب و بد مشخص می‌شود.

با توجه به این که ژانر داستان کوتاه، خود زائیده جنبش مدرنیسم است، تعریف اوکانر را درباره شخصیت‌های داستان کوتاه، می‌توان به کل داستان‌های کوتاه جهان و به ویژه داستان کوتاه نویسان ایرانی تعمیم داد: در واقع، داستان کوتاه هم هیچ وقت قهرمانی نداشته است در عوض گروهی آدم‌های له شده. «submerged population» دارد...

شخصیت‌های له شده، از نویسنده‌ای به نویسنده‌ای دیگر و از نسلی به نسل دیگر تفاوت می‌کند، آدم‌های له شده، فقط له شده مادی نیستند، بلکه ممکن است مثل کشیشان، فاقد اعتبار اخلاقی باشند. این چهره‌های مطرود، همیشه در داستان کوتاه، در حاشیه اجتماع سرگردانند و گاهی با شخصیت‌های نمادینی چون مسیح، سقراط و موسی، تلفیق می‌شوند، از آن‌ها تقلید و تصویر مسخره‌ای از ایشان ارائه می‌کنند... در منحصر به فردترین داستان‌های کوتاه هم چیزی وجود دارد که در رمان پیدا نمی‌شود: آگاهی عمیق از تنهایی انسان^۱

۲-۱- واژه مدرن و مدرنیته

مدرنیته یک واژه است ریشه آن مدرن از مودو

مدرنیته عمدتاً تعابیر سفید پوستان مذکر با هم جنس گرایان اروپا و طبقه‌ی اشراف نمایان شده است و هر گونه چالش جدید در هر یک از این خبرهای سبب برآوردن مدرنیته در بیان انواع مدرنیته‌ها می‌شود. اما بیشتر نکته‌های مدرنیست در دهه ۱۹۷۰ با چالش مواجه شده است. مدرنیسم در راه‌های احیای راه و رسم غربی فرسوده است. مدرنیست واژه نسبتاً قدیمی است. که در اواخر قرن شانزدهم در مورد شخصی مدرن به کار رفت و در قرن هجدهم در مورد پیروان شیوه مدرن و طرفداران ادبیات مدرن در برابر ادبیات قدیم به کار برده شده است «مدرنیسم» نخستین بار در قرن هجدهم و صرفاً در مورد گرایش‌های خارجی عصر جدید به کار رفت؛ اما در قرن نوزدهم معنایش

۱- فرانک اوکانر، مطالعه و تحقیق در ساختار داستان کوتاه، (ترجمه شهلا فیلسوفی) چاپ دوم، (تهران: نشر اشاره، ۱۳۸۷) ۱۸۰-۴۲.

وسعت گرفت و همدلی با عقاید سبک‌ها و یا جلوه‌های مدرن را نیز شامل شد.^۱ که در تکمیل این سخن پیتر چاپلرز این گونه بیان می‌دارد که:

در جامعه‌ی ادبی جهان سبک‌های گوناگونی که به نام ایماژیمسم، سورئالیسم، دادائیسم، فرمالیسم رشد کرده‌اند. پیشگامان آن داروین، مارس نیچر و مرشد فکری آن هم زیگموند فروید بود. زمینه تاریخ و اجتماعی‌اش مشتمل است بر ظهور زن، اوج و زوال امپراطوری تاریخ بریتانیا و تغییرات تکنولوژی.

۳- ۱- مدرنیته

مدرنیته واژه‌ای است که آن را نخستین بار شارل بودلر در اواسط قرن نوزدهم به کار برد نسبتاً مدرنیست مدرنیته. شیوه زیستن و تجربه کردن زندگی به شمار می‌آید مشخصاتش عبارت از فروپاشی اصلاح‌گری تحولات سریع با ناامنی همراه است. رویکرد تازه‌ای از زمان به کاربردن نویسندگان برجسته‌ای که در اول قرن بیستم درباره مدرنیته حکم زده‌اند عبارتند از مالس هورکماسیرو والتر بنیامین. مدرنیته اصطلاحی است که از طرفی تاریخ غرب را پس از رنسانس در بر می‌گیرد و از طرفی عصر روشن‌گرتین هجدهم است. مشخصه مدرنیته عبارت است از تلاش برای محدودیت بخشیدن به انسان به عقل انسانی در همه‌است مدرنیته به صورت کوشش جهان تحولی تعریف می‌شود که رهایی تدریج همه‌انسان می‌انجامد بدین ترتیب مدرنیسم واکنش زیبا شناسنامه و فرهنگی است، مدرنیته متاخر و روند مدرن سازی قلمداد شده است.

مدرنیسم سبکی است که وابسته به زمان. اواسط قرن نوزدهم تا اواسط قرن بیستم ادبیات مدرن با نوآوری و ابداع همراه است. مدرنیسم بر خلاف هارمونی ویکتوریایی به انفصال و تجزیه و نام‌ها سبکی گرایش دارد مدرنیسم می‌گوید و به واسطه کارکردش وجود دارد. مدرنیسم اخلاق را برتر از هنر نمی‌دانند و هنر را عالی‌ترین شکل دستاورد آدمی می‌شمارد، اما نگارش مدرنیستی با زیبایی شناسی سرکار دارد مشخصات دیگر عبارت است از: تاکید بر شمردن تکنولوژی، تردید در مورد زبان و جمله آرمان قرن نوزدهم با این حال مهم‌تر از همه از قرن نوزدهم به بعد آن چیزی که مدرنیسم خوانده می‌شود. مجموعه‌ای از تلاش‌های دامنه‌دار با افزایش و آشفتن شیوه‌های باز نمایی بوده است. مدرنیسم را می‌توان واکنش هنرمندانه به ضمیر موضوع دانست از جمله روند

۱- پیتر چاپلرز، مدرنیسم، (ترجمه رضا رضایی) چاپ سوم، (تهران: نشر ماهی ۱۳۸۹)، ۲۴-۱۲.

توسعه‌ی جامعه‌ی شهری تحول تکنولوژی قرن نوزدهم با نوعی توهم زدایی فراگیر از مدل‌های موجود فرد و اجتماع سپری شد؛ با ظهور مدرنیسم ادراک جدیدی از واقعیت و کار کردن به وجود آمد شیوه‌های مسلط قبلی نوعی حقیقت ماندی است. مدرنیته حرکت واضحی بود به سوی افزایش پیچیده‌گری، تکلف سنجیده درونگری ژرف. شکایت شخصی در اوایل قرن بیستم ادبیات مدرن به طرز فراینده‌ای به صورت یک حرفه در آمد و نویسندگان و نقالان را در باب چالش در برابر تفکر پذیرفته شده قرار داد.^۱

۴-۱- مدرن و مدرنیته

۵-۱- مدرن

ریشه واژه‌ی «مدرن» از کلمه لاتین «مودو» (*modo*) به معنی «جاری/فعلی» است. به این تعبیر، هر آن چه سبک و سیاق روز را از گذشته جدا می‌کرد، «مدرن» خوانده می‌شد. به عنوان نمونه، اصطلاح «انگلیسی مدرن» در مقابل «انگلیسی میانه» زبان رایج دوره‌ی رنسانس به بعد را از زبان دوره‌ی میانه «قرون وسطی» در انگلستان جدا می‌کند، به همین معنی، ادبیات مدرن نیز از قرن شانزدهم آغاز می‌گردد. از این تاریخ به بعد زبان ادبی تحول یافت و ادبیات دوره‌ی معاصر ادامه‌ی زبان ادبی چهار صد سال پیش است.

گرچه اصطلاح ادبیات مدرن به طور عام به ادبیات قرن بیستم نیز اطلاق می‌شود؛ استفاده اخیر از واژه مدرن به آن دسته از ویژگی‌های ادبی اطلاق می‌شود که از شکل‌های سنتی و تکنیک‌های بیانی قدیم فاصله گرفته‌اند.

با بازگشت به تعریف «مدرن» مشاهده می‌شود که در طی تاریخ، ادبیات مدرن به ویژگی‌های جاری و فعلی اطلاق شده است. به عنوان نمونه، همان طور که پیترو چایلدز اشاره می‌کند، ماتیو آرنولد، شاعر و مقاله‌نویس انگلیسی قرن نوزدهم، به سال ۱۸۵۷ در مقاله‌ی «درباره عنصر مدرن در ادبیات» فضای سبک مدرن را چنین تعریف می‌کند: آرامش، اطمینان، مدارا، فعالیت آزاد ذهن، خرد، و جهان شمولیت جالب است که تنها پنجاه سال بعد، کلید واژه‌ای ادبیات مدرن بدین صورت دگرگون می‌شوند: بیگانگی، مصیبت، آشوب، بی‌خردی، افسردگی، و سرخوردگی از فرهنگ اروپا این نمونه گواه بر این است که اطلاق اصطلاح مدرن تنها جنبه‌ی

۱ همان ۲۷۰-۲۶

کاربردی داشته و هم‌ها با تعارف رایج و فعلی، به طور مدام در حال دگرگونی است. اما همان طور که خواهیم دید، به عکس، اطلاق و تعریف مدرنیسم دقیق و محدود است.^۱

۶-۱- مدرنیته و یا مدرنیسم

مدرنیسم یک انقلاب ادبی و فرهنگی اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم بود که اهمیت آن انکار ناپذیر است زیرا به تعبیری آغاز آن پایان رئالیسم بود و پایان آن آغاز پست مدرنیسم.

شعار جنبش مدرنیستی این بود که "نو کنید" همین شعار و کشاکش‌های بعدی‌اش بنیادهای ادبیات را به لرزه درآورد و به انقلاب در فرهنگ غرب منجر شد. دهه آغازین قرن بیستم با تحت تاثیر خود قرار دارد. امروزه از یک مدرنیسم واحد نمی‌توان سخن گفت، بلکه از مدرنیسم‌ها سخن به میان می‌آید. افرادی چون ویرجینیا وولف، کاترین منسلین، لانس هندری جیمز، روبکاوست، مدرنیسم بالفعل را معرفی کند تا به دریافت بیشتری از مدرنیسم برسند. هنر مدرنیستی به معنای فنی حکم هنری است که آن را هنر راه و رسم نو می‌خوانند.^۲

در عرصه ادبیات، مدرنیسم را در کار نویسندگان می‌توان هنر درک کرد که در دهه‌های قبل و بعد آغاز قرن بیستم قلم زده‌اند مدرنیسم اصطلاحی است مورد اختلاف که نباید بدون توجه مجادله‌های ادبی تاریخی سیاسی به کار برد. از: مهم‌ترین جنبه‌های نگارش مدرنیسم برای تاثیر گذاری بر خوانندگان عبارت است از نحوه عمل این نوع رمان، داستان، سفر برای غرق کردن خواننده در دنیای ناآشنا، (که زمینه چینی و توضیح خاص اکثر نویسندگان رئالیست مانند چارلز دیکنز و جورج الیوت در آن‌ها کمتر یافت می‌شود) به عبارت دیگر در نگارش مدرنیستی خواننده در چشم‌اندازی از ذهن گیج کننده و دشواری غرق است که نمی‌توان آن را به سرعت درک کرد، بلکه خواننده برای یافتن ژرفای آن باید خودش راهش را بگشاید و علامت گذاری کند روایت مدرنیستی نوعی جستجو برای صعود به درون ذهن و دور از نیاز می‌باشد.^۳

مدرنیست‌ها معتقد به فهم حقیقت از طریق مطالعه داستان و تکامل یک پدیده نبودند، آن‌ها نه تنها به تاریخ علاقه‌ای نشان نمی‌دادند، بلکه با آن به مخالفت می‌پرداختند. د.تی.اس. الیوت روش اسطوره‌ای را جایگزین شیوه روایتی خطی کرد، چون در اسطوره ترتیب زمانی وقایع و زمان

۱ - حسنعلی نودری، مدرنیسم، (تهران: نشر نقش جهان)، ۶۰-۱۲.

۲ - همان، ۱-۱۴.

۳ - همان، ۲۰-۲۲.

خطی اهمیت ندارد.

قرن نوزدهم به اصول فراگیر و ارزش‌های جهانی اعتقاد داشت و بر آن بود تا اجزای کوچک‌تر را مطابق با آن مصلحت‌نمایی سازمان دهد. مدرنیسم در نقطه‌مقابل، زیبایی‌های کوچک را ارج می‌نهاد و سخن گفتن از دنیای کبیر را یاوه‌گویی و تو خالی می‌دانست. هر چیز را به خود آن رجوع می‌داد و برای توجیه آن، به چیزی فراتر متوسل نمی‌شد. یک متن ادبی و یا یک نقاشی تنها نماینده خود آن متن ادبی و یا نقاشی است و قرار نیست در خدمت بیان چیزی فراتر از خود و یا در خدمت یک داستان بیرونی در آید.

در مدرنیسم، گرایش به نمایش حوادث و واقعیت‌ها، به شکلی گسسته و پاره پاره بود. در دوره ویکتوریا تصور این بود که جهان هماهنگ است و همه اجزاء و تکه‌ها در جایگاه مناسب خود قرار دارند، در حالی که مدرنیست‌های این نگرش را ساده‌نگارانه می‌پنداشتند.

مدرنیست‌ها مفاهیم مطلق را رد کردند ایدئالیسم فلسفی قرن نوزدهمی، در عصر مدرنیسم اعتبار خود را دست داده بود. آن قطب بندی‌های ویکتوریایی بر حسب مرد/زن عینی/ذهنی ماده/انرژی مکان/زمان را زیر سوال بود این مفاهیم را به عنوان تابع همدیگر - و نه در تقابل با یکدیگر می‌دیدند.^۱

مدرنیست‌ها نخبه‌گرا بودند بر خلاف قرن نوزدهم که می‌خواستند علوم، فلسفه و ادبیات در اختیار همه مردم قرار گیرد و مورد درک عامه باشد، مدرنیست‌ها تنها طیفی خاص و برگزیده را مخاطب قرار می‌دادند.

مدرنیسم به فردگرایی توجه خاصی مبذول داشت و نقش واحد خانواده را به عنوان ابزاری در تداوم جهان‌بینی مرد سالار زیر سوال برد. به تلاش‌های فردی برای آفرینش ارزش‌های جدید بها می‌داد.

مدرنیسم به هنر ارج خاصی می‌نهاد، ولی آفرینش هنری و استحقاق انسان را در بهره‌وری از هنر، جای‌گزین اولویت بعد اخلاقی نمود.

نگرش بدبینانه به جهان، جای‌گزین نگاه خوش‌بینانه عصر ویکتوریا شد. آنان چشم‌اندازی را تصویر می‌کردند که تیره و ویران بود و امیدی برای بهبود در پیش روی آن نیست.

۱ - مالکوم برادبری، نام، سرشت مدرنیسم، (ترجمه احمد میرعلایی)، (تهران، نشر زنده رود، ۱۳۸۸)، ۴۳ - ۵.

هم چنین نباید از تاثیر ژرف اندیشه فروید در شکل گیری مدرنیسم غافل شد. فروید توجه بسیاری از نویسندگان را به سمت درون، یعنی به تجربیات ذهنی، معطوف ساخت تا به سمت دنیای برون و عینی، این امر از یک سو سبب بسط و پالایش تکنیک‌ها و شیوه‌های مهم جدیدی گردید. بسط و توسعه تکنیک و تک گویی درونی و جریان خود آگاهی توسط وولف و جویس و پالایش تک گویی در اماتیک توسط الیوت؛ و از سوی دیگر، با نوعی عقیده بدبینانه نیز گره خورده بود، مبنی بر این که شکاف موجود بین تجربه ذهنی و دنیای عینی نیز ترمیم شدنی و برنا شدنی است. در ادامه به ویژگی‌های مدرنیسم در ادبیات و داستان نویسی می‌پردازیم:

بی‌نظمی زمانی در روایت رویدادها: بر خلاف رمان‌های مدرنیستی، که فقط ترتیب زمانی رویدادها را از طریق تکنیک‌های روایی مانند سیلان ذهن و حدیث نفس در هم می‌ریختند و چنین القا می‌کردند که دقیقه و ساعت و روز هفته و ماه و سال برای توصیف زمان، نارسا و غیر دقیق است و باید زمان از آن گونه که در ذهن منعکس می‌شود، بیان کرد. پسامدرنیست‌ها، خود آگاهانه مرز بین تاریخ و خیال پردازی را درهم می‌ریختند، پسامدرنیسم، معنادار بودن زمان و گذشت زمان را به چالش می‌گیرد.^۱

رمان نویس پسامدرن ملغمه و آمیزه‌ای از انواع سبک‌های نگارش را به کار می‌گیرد. آنان ویژگی‌های سبکی را جابه‌جا می‌کنند یا به شکلی بی‌نظم به کار می‌برند، بدین ترتیب، آن‌ها بر محتوای نامنسجم و ناهمگن نوشته‌ها تاکید می‌ورزیدند.

نویسنده پسامدرنیست، به یکپارچگی و تمامیت داستان‌های سنتی بدگمان است و راه‌های دیگر را برای ساختارمند کردن اثر بر می‌گزیند. به عبارت دیگر، در زمانه ما عناصر داستانی چون شخصیت، کشمکش، زمان و مکان و غیره نه در خدمت خلق کلیتی اندام‌وار، بلکه به منظور به رخ کشیدن اغتشاش و ابهام به کار گرفته می‌شوند. برای نمونه، نویسنده‌ای داستان خود را به چند شکل پایان می‌دهد، یا داستانش را در کاغذهایی با رنگ‌ها و یا با قلم‌های فونت متفاوت به چاپ می‌رساند، حتی لکه به جا مانده از فنجان قهوه، بر صفحات نقش بسته است.

مدرنیست‌ها گاهی در فرآیند نگارش داستان، از عامل اتفاق استفاده می‌کنند، مثلاً بخش‌ها به صورت تکه‌تکه ارائه می‌شود، به این گونه که تعدادی جمله به طور اتفاقی از متون مختلف

۱ - حسین پاینده، گفتمان نقد، (تهران نشر روزگار، ۱۳۸۲) ۶۰ - ۴۰